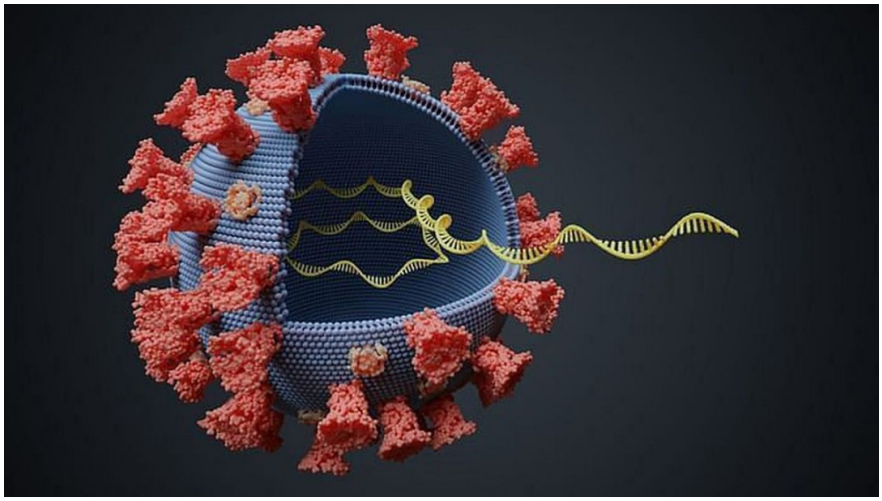
کرونا ویروس؛ گسستی فراگیر در تحولات ژئوپلیتیک جهان اسلام

فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مؤسسهٔ آینده‌پژوهی جهان اسلام



مقدمه

همه‌گیری کرونا در سطح جهانی به معضلی جهانی تبدیل شده است. همه‌گیری یکی از نقاط عطف تاریخی است که در چرخهٔ گذار سیستم جهانی مسبوق به سابقه است. شیوع چندباره و گستردهٔ طاعون، وقوع جنگ‌های جهانی، رخداد بحران‌های اقتصادی و...، همگی، حاکی از چنین ادعایی است. اما کرونا تفاوت اساسی و ماهوی با اسلاف خود دارد و آن نیز گستردگی بسیار بیشتر آن است. جنگ‌های جهانی، اروپا و نهایتاً شمال افریقا و بخش‌های کمی از آسیا را درگیر کرد. طاعون نیز با وجود کشنده‌بودن بسیار به مناطق خاصی محدود بود؛ اما کرونا اولین بحران جهانی است که به معنای واقعی کلمه، عالم‌گیر است. در وضعیت کنونی، کرونا ویروس در دورافتاده‌ترین مناطق جهان نیز نفوذ یافته است. هیچ نقطه از کرهٔ خاکی از گزند و تبعات این اپیدمی شوم در امان نمانده است.

علاوه بر این، کرونا ویروس پدیده‌ای است که با ایجاد بحران، کلیت نظام جهانی را در تمامی ابعاد تحت‌تأثیر قرار داده است. سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ورزش، همه و همه، تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. تا به حال هیچ پدیده‌ای در این سطح در نظام جهانی تحول‌آفرین نبوده است.

از جمله حوزه‌هایی که تحت‌تأثیر قرار گرفته است، سیاست جهانی است. کرونا ویروس با ایجاد چالش‌های مختلف برای دولت‌ها آن‌ها را درگیر بحران‌های حاد اقتصادی کرده است. بیش از هر چیزی، کرونا ویروس اقتصاد جهانی را تحت‌تأثیر قرار داده است. زنجیره‌های تولید و توزیع کالا، حتی زنجیره‌های مصرف و مشاغل مختلف، تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. بسیاری از شرکت‌های تولیدی بزرگ با زیان گسترده روبه‌رو شده‌اند. بسیاری از مشاغل نیز در شرایط حاضر از دست رفته‌اند. این اوضاع، بحران‌های اقتصادی گسترده‌ای برای کشورهای مختلف ایجاد کرده و در پی آن، در سطح جهانی و منطقه‌ای، الگوی رفتاری

بازیگران تحت‌تأثیر قرار گرفته است.

در مجموعهٔ جهان اسلام نیز که همواره با بحران و آشوب روبه‌رو بوده است، کرونا ویروس و بحران ناشی از آن قطعاً دارای پیامد و آثار است. در همین راستا، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که پیمادهای احتمالی بحران کرونا در مجموعهٔ جهان اسلام کدام‌اند. این بحران به نظر می‌رسد در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، کشورهای اسلامی را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و پیامدهای مهمی را برای آنان در پی خواهد داشت.

در سطح داخل

در سطح داخل، مهم‌ترین پیامد کرونا ویروس تأثیر سوء بر اقتصاد جهانی و به‌طور خاص اقتصاد کشورهای اسلامی است. نفت مهم‌ترین حوزهٔ اقتصادی و صنعتی است که در کشورهای اسلامی تحت‌تأثیر قرار گرفته است. اهمیت این موضوع، با آگاهی از اینکه اکثر کشورهای اسلامی وابسته به منابع مالی ناشی از سوخت‌های فسیلی هستند، بیشتر فهم خواهد شد. نفت سهم عمده (بعضاً تا ۹۰ درصد) را در بسیاری از کشورهای اسلامی در تولید ناخالص داخلی دارد. رکود صنایع جهانی در بالادست تأثیر مستقیمی بر معادلهٔ عرضه و تقاضای نفت گذاشته است. این مهم به کاهش تقاضا برای نفت و متعاقب آن، کاهش قیمت نفت منجر شده است.

کاهش قیمت نفت بی‌ثباتی مالی در بسیاری از کشورهای اسلامی را به دنبال دارد. بازار بورس، سرمایه‌گذاری خارجی و بودجهٔ کشورهای اسلامی با شوک روبه‌رو شده است. دوبی، قلب تپندهٔ اقتصادی امارات، اعلام کرده است در سال ۲۰۲۱ با کسری بودجه ۳میلیارددلاری روبه‌رو شده است. در سال ۲۰۲۰، بودجهٔ این امیرنشین راهبردی ۱۸/۱ میلیارد دلار بوده است؛ اما در سال جاری به ۱۵/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است. عراق از جمله کشورهای اسلامی است که با کاهش بودجهٔ شوکه‌آوری روبه‌رو شده است. بحران ناشی از کرونا در عراق، مضاف بر بحران‌های یک دههٔ گذشتهٔ این کشور است. بحران کرونا کسری بودجهٔ گسترده، معادل ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی، به عراق تحمیل کرده است. وزارت برنامه‌ریزی عراق پیش‌بینی کرده است نرخ فقر در این کشور تا انتهای ۲۰۲۱، به ۲۰ درصد برسد. در جمهوری اسلامی ایران نیز کرونا ویروس و پیامدهای ناشی از آن، مضاف بر تحریم‌های بین‌المللی شده است. دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران کسری بودجهٔ ۱۹۵تریلیون‌تومانی، معادل ۲۳ درصد، پیش‌بینی کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز برای سال جاری و سال آینده، کسری نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ درصد را اعلام کرده است. ترکیه نیز با کسری بودجهٔ بی‌سابقه‌ای معادل ۶ میلیارد دلار روبه‌رو شده است. امارات متحده عربی نیز در مواجهه با چنین شرایطی با کسری معادل ۱۱/۴ درصد روبه‌رو شده است. قطر، کویت، بحرین و عمان نیز به‌ترتیب با ۵/۱، ۱۴/۱، ۱۳/۵ و ۱۳ درصد کسری روبه‌رو هستند. بحرین که به استقراض گسترده از همسایگان عربی خود وابسته است، در معرض فشار شدید قرار گرفته است. عمان نیز بدهی‌های خود را رقمی در حدود ۶۰ درصدِ تولید ناخالص داخلی خود اعلام کرده است. گرچه قطر کمتر آسیب دیده است، در سال گذشته و سال جاری (۲۰۲۱) اوراق قرضه‌ای معادل ۱۰ میلیارد دلار برای جبران تبعات ناشی از بحران کرونا انتشار داده است. وزارت دارایی عربستان از کسری بودجه‌ای

معادل ۱۴۵ میلیارد دلار سخن گفته است. این نهاد دربارهٔ تداوم این اوضاع برای بزرگ‌ترین اقتصاد در میان کشورهای عربی در سال‌های آینده هشدار داده است. محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، اعلام کرده است درآمدهای نفتی این کشور با کاهش ۱۰۹ میلیارد دلاری روبه‌رو شده است. در سایر کشورهای اسلامی نیز وضع به همین منوال است.

برخی دیگر از کشورهای اسلامی نیز که به‌دلیل منابع ناچیز فسیلی، تأثیر کمتری از نوسانات بازار نفت پذیرفته‌اند، به طرق دیگر، در میانهٔ بحران‌ها و پیامدهای ناشی از ویروس کرونا گرفتار شده‌اند. بسیاری از کشورهای اسلامی مانند مصر، الجزایر، مراکش، عربستان، امارات و ترکیه از کشورهای فعال در حوزهٔ صنعت گردشگری هستند. صنعت گردشگری از جمله بخش‌هایی است که کرونا ویروس تبعات سنگینی برای آن وارد آورده است. این بخش از جمله صنایعی است که در دو سال گذشته در مقاطعی با تعطیلی و رکود کامل روبه‌رو شده است. برخی از کشورهای اسلامی مانند مصر، ترکیه و مراکش، در این زمینه، آسیب جدی دیده‌اند؛ چراکه این کشورها برخلاف امارات، قطر و عربستان سعودی، درآمدی از منابع فسیلی ندارند.

گردشگری یکی از منابع درآمد ملی در اقتصاد مصر است و درآمد سالانهٔ این کشور از محل گردشگری در پنج سال منتهی به ۲۰۱۹ به‌طور متوسط، سالانه، حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده است. همچنین مطابق آمارهای مختلف، بیش از ۱۰ میلیون نفر در مصر به صنعت گردشگری وابسته هستند. در دو سال گذشته، فاجعه‌ای برای این بخش از صنعت مصر رخ داد: بررسی‌ها نشان می‌دهد حجم گردشگری خارجی مصر در سال ۲۰۲۰، نسبت به سال قبل از آن، بین ۵۰ تا ۷۵ درصد کاهش داشته است. در دو سال گذشته، به‌طور متوسط، هر سال بیش از ۲ میلیارد دلار خسارت به مصر از این رهگذر وارد شده است.

ترکیه از جمله کشورهای سرآمد گردشگری در جهان است. این صنعت برای ترکیه سالانه آورده‌ای در حدود ۳۴/۵ میلیارد دلار داشته است. در دو سال گذشته، این کشور بیش از ۷۵ درصد از این منبع درآمدی خود را از دست داده است.

امارات تا قبل از شیوع کرونا، سالانه، میزبان ۱۶ میلیون گردشگر خارجی بود. در وضعیت کنونی، این رقم به میزان قابل‌ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده است؛ حتی در مقاطعی، با محدودیت و ممنوعیت پروازی، صنعت گردشگری این کشور به‌طور کامل تعطیل شده است. در عربستان سعودی نیز گردشگری مذهبی ناشی از زیارت مکه و مدینه در دو سال گذشته با کاهش قابل‌ملاحظه و بعضاً تعطیلی کامل روبه‌رو بوده است. به‌طور کلی، در سایر کشورهای اسلامی نیز وضع به همین منوال است.

این اوضاع به کاهش ذخایر ارزی بسیاری از کشورهای اسلامی منجر شده است. بسیاری از کشورهای اسلامی برای جبران کسری‌های مالی خود به ذخایر ارزی خود متوسل شده‌اند. کشورهای عربی در لوای چنین سیاستی با کاهش ۱۳۳ میلیاردی ذخایر ارزی خود روبه‌رود شده‌اند. با توجه به تداوم بحران انتظار می‌رود این رقم در سال‌های آینده افزایش یابد. باید گفت این راهبرد علاجی موقت است؛ چراکه در چند سال آینده، مشکلات اقتصادی بسیاری در پی خواهد داشت. آن‌ها از یک سو باید با تبعات این کاهش ذخایر ارزی مقابله کنند و از سوی دیگر، جبران این کاهش، خود، چالش‌هایی را سبب خواهد شد.

چالش‌های اقتصادی اولین و آخرین پیامد ناشی از بحران کرونا ویروس نیستند و آنچه مهم است، آثار و پیامدهای آتی این

بحران است. همهٔ شاخص‌ها و شواهد از قریب‌الوقوع‌بودن بحران عمیق اقتصادی در جهان اسلام حکایت می‌کنند. پیش‌بینی شده است کشورهای اسلامی در سال ۲۰۲۲ با رکود عمیق اقتصادی روبه‌رو شوند. ۵ میلیون نفر در کشورهای اسلامی شغل خود را از دست داده‌اند. جمعیت کثیری نیز به‌طور گسترده تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به مشکلات اقتصادی می‌توان پیش‌بینی کرد با توجه به ضعف پیوندهای ارتباطی جوامع با حکومت در کشورهای اسلامی، در چند سال آینده، طغیان آشوب‌های اجتماعی محتمل باشد. عراق محتمل‌ترین گزینه است. این کشور در چند سال گذشته، همواره، با آشوب سیاسی روبه‌رو بوده است. چالش‌های ناشی از کرونا ویروس این تنش‌ها را در چند سال آینده تشدید خواهد کرد. در کشورهای اسلامی شمال افریقا نیز وضعیت به همین منوال است. این مناطق که هنوز درگیر پیامدهای ناشی از درگیری‌های داخلی خود در سال ۲۰۱۱ هستند، در چالش‌های ناشی از کرونا نیز گرفتار آمده‌اند. با توجه به شکننده‌بودن ساختار سیاسی کشورهای اسلامی شمال افریقا، به نظر می‌رسد در چند سال آینده، این مناطق دوباره با موج جدیدی از تنش‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو شوند.

در سطح منطقه‌ای و جهانی

بحران ناشی از ویروس کرونا تحولات منطقه‌ای را نیز در جهان اسلام تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. در اوضاع کنونی، چند گسل مهم تعارضی در جهان اسلام فعال است. در سوریه، با وجود کامیابی بشار اسد در حفظ ساختار سیاسی خود، این کشور همچنان درگیر بحران است. عراق نیز وضعیت متزلزل و شکننده‌ای دارد. تضاد گروه‌های مختلف، رقابت بازیگران منطقه‌ای و جهانی و نیز بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ، همراه با بحران‌های ناشی از کرونا، دولت عراق را در وضعیت سختی قرار داده است. لبنان نیز در چند سال گذشته، درگیر تنش سیاسی گسترده بوده است. در یمن نیز با وجود نزدیک به یک دهه جنگ و درگیری تحمیلی عربستان علیه این کشور، همچنان تنش‌ها تداوم دارد. تهران و ریاض همچنان در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار دارند. افغانستان درگیر جنگ داخلی شده است. تنش مابین ایران و امریکا نیز هنوز در وضعیت بحرانی قرار دارد. مصر، لیبی و تونس نیز همچنان با بحران‌های مختلف روبه‌رو هستند. وضعیت کنونی گویای انباشت و تراکم بحران در میان کشورهای اسلامی است. حال، این پرسش مطرح می‌شود که بحران کرونا چه تأثیری بر این روندهای منطقه‌ای در جهان اسلام در چند سال آینده می‌گذارد.

ایران _ امریکا: کاهش موقتی تنش در دو سال آینده و سپس افزایش‌یافتن آن

گرچه تهران و واشنگتن در چهار دههٔ گذشته، همواره، در روابطشان با یکدیگر تنش داشته‌اند و حتی در مقاطعی مانند ترور سپهبد سلیمانی، تا آستانهٔ درگیری پیش رفته‌اند، بحران ناشی از ویروس و افزایش احتمال احیای توافق هسته‌ای اوضاعی را رقم زده است که کاهش تنش مابین ایران و امریکا را در چند سال آینده محتمل کرده است. ذکر این نکته لازم است که با وجود این وضعیت نمی‌توان چشم‌انداز روشنی در خصوص آیندهٔ روابط امریکا و ایران ترسیم کرد؛ چراکه از سویی، عمق تضاد منافع منطقه‌ای دو کشور خیلی گسترده‌تر از آن است که صرفاً در چارچوب توافق هسته‌ای حل‌وفصل شود و از سوی دیگر، توافق

هستهای از حمایت قانونی کنگره و سنا برخوردار نیست. مضاف بر آن، جمهوری‌خواهان نیز مخالف جدی آن هستند. اهمیت این موضوع به این دلیل است که رویکارآمدن احتمالی جمهوری‌خواهان در انتخابات ۲۰۲۴، تنش و تخاصم دربارهٔ برنامه هستهای ایران را دوباره احیا خواهد کرد و این، با توجه به آرای نزدیک جو بایدن و دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰، دور از ذهن نخواهد بود. بنابراین، افزایش تنش و تضاد در روابط ایران و امریکا و متعاقب آن، تسری آن به سطح منطقهٔ خاورمیانه، در چند سال آینده محتمل خواهد بود.

تداوم بحران در یمن

عربستان سعودی به‌هیچ‌وجه حاضر به پذیرش انصارالله و گسترش جبههٔ مقاومت در مجاورت مرزهای جنوبی خود نیست. اهمیت این موضوع به‌حدی است که حتی سقوط شدید بهای نفت و کسری بودجه در عربستان نیز باعث تغییر رفتار این کشور در قبال یمن نخواهد شد. گرچه ممکن است این اوضاع سبب شود تا حدودی، عربستان سعودی در یمن حاضر به عقب شود، در بطنش راهبردی موقتی است. عربستان در حال حاضر در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران و در معادلهٔ توازن قدرت منطقه‌ای در وضعیت خوبی قرار ندارد. این کشور در سوریه، عراق، لبنان و حتی یمن، قافیه را به ایران باخته است. عربستان سعودی در تلاش است به‌دلیل مصائب اقتصادی ناشی از کرونا، بار سنگین مقابله با ایران را به دوش توافق هسته‌ای اندازد؛ به این صورت که از قِبَل توافق هسته‌ای و تسری گفت‌وگوهای ناشی از آن به سطح منطقه‌ای بتواند ایران را به عقب‌نشینی در منطقه و به‌طور خاص در یمن وادار کند؛ اما چنین راهبردی و انداختن بار سنگین ناشی از آن روی بنای متزلزل توافق هسته‌ای، کارگشا نیست.

سوریه: آرامش قبل از طوفان

بعد از نزدیک به یک دهه نبرد سنگین در سوریه مابین گروههای مختلف، سرانجام بشار اسد کنترل امور را در این کشور دوباره به دست گرفت و ثبات نسبی در این کشور برقرار شد؛ اما اقدامات چند وقت اخیر امریکا و متحدین منطقهای این کشور از جمله عواملی است که خطر تشدید دوبارهٔ تنش و تضاد در سوریه را محتمل کرده است. امریکا در دو سال گذشته با تثبیت موقعیت نظامی خود در شرق سوریه، به‌بهانهٔ جلوگیری از بازگشت داعش، در حال آمادهسازی خود برای دور جدیدی از رقابتهای ژئوپلیتیکی در سوریه است.

عادی‌سازی روابط اعراب _ رژیم صهیونیستی: آغاز دور جدید چرخهٔ موازنه در جهان اسلام

سرانجامِ تحولات یک دههٔ گذشتهٔ جهان اسلام برهم‌خوردن توزان منطقهای به‌سود جمهوری اسلامی ایران و به‌ضرر رژیم صهیونیستی بوده است. به‌عبارت دقیق، گسترش نفوذ محور شیعه به‌رهبری ایران در خاورمیانه از جنوب به خلیجفارس تا یمن و حتی بابالمندب، و از شمال تا بندر لاذقیه در سوریه میرسد. این گستردگی به‌سبب شکست توازن منطقهای به‌ضرر رژیم صهیونیستی، تهدیدی جدی برای این کشور محسوب میشود. تهدید ناشی از این موضوع سبب شده است رژیم صهیونیستی تشکیل بنای ائتلافی گسترده و فراگیر در سطح منطقه با حضور و همراهی کشورهای عربی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و موازنهٔ بازدارندگی در مقابل این کشور را در دستورکار قرار دهد. امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش در کنار اردن

و مصر از کشورهای عربی هستند که تاکنون به جبههٔ رژیمصهیونیستی پیوستهاند. عربستان سعودی، عمان، قطر و بحرین نیز در اندیشهٔ عادیسازی روابط خود با رژیم صهیونیستی هستند. بزرگ‌نمایی تهدید ناشی از ایران (ایران‌هراسی) برای پادشاهیهای محافظهکار عربی، مهم‌ترین مکانیسم رژیم صهیونیستی برای واردکردن کشورهای عربی به ایدهٔ ائتلافهای منطقهای خود در برابر جمهوری اسلامی ایران است. این اقدام در چند سال آینده، منطقهٔ خاورمیانه را در دور بیپایان موازنهسازی و تنشها و تضادهای ناشی از آن درگیر خواهد کرد.

کاهش نقش امریکا در مقابل افزایش نقش چین و روسیه در جهان اسلام

کرونا ویروس، بیش از هر چیزی، آسیب‌پذیری اقتصاد کشورهای غربی و توانمندی کشورهایی مانند روسیه و چین را به منصهٔ ظهور رسانید. تحت‌تأثیر بحران کرونا، حجم اقتصاد آمریکا طی سه ماههٔ دوم سال جاری، در ابعادی بی‌سابقه، از رکود بزرگ اقتصادی دههٔ ۳۰ میلادی نیز کمتر شده است. تولید ناخالص ملی آمریکا طی دو سال گذشته به حدود ۳۳ درصد کاهش یافته است که این، بیشترین رقم از سال ۱۹۴۷ است. چنین اوضاعی، روندهای جهانی امریکا در سیاست بین‌الملل را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. مهم‌ترین تأثیر ناشی از ویروس کرونا تسریع فرایند کاهش نقش منطقه‌ای امریکا در جهان و به‌طور خاص‌تر، جهان اسلام است. گرچه نزول جایگاه امریکا آغاز فرایند کاهش نقش این کشور شده بود، بحران کرونا سرعت کاهش این فرایند را بیش از گذشته افزایش داده است. در اوضاع کنونی، با وجود تنش و تضاد و درخطرقرارگرفتن منافع امریکا در سوریه، عراق و افغانستان، این کشور در حال کاهش نقش خود در این مناطق است.

این در حالی است که در شرق عالم، چین به‌سرعت در چرخهٔ قدرت جهانی در حال پیشروی است. این موضوع در کنار آسیب‌پذیری کمترِ چین از پیامدهای کرونا نسبت به رقبای جهانی، از این حکایت می‌کند که در چند سال آینده، شاهد افزایش هرچه بیشترِ نقش چین در سیاست جهانی به‌طور عام و در جهان اسلام به‌طور خاص خواهیم بود. به‌تعبیر روشن‌تر، تغییر و تحول در دینامیک‌های قدرت چین، روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا در چرخهٔ جهانی قدرت به تصادم و تزاحم منافع آن‌ها در مناطق نفوذ یکدیگر منجر خواهد شد. جهان اسلام به‌دلیل قابلیتهای برجستهٔ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از جمله مناطقی است که به‌صورت جدی در حال تبدیل‌شدن به صحنهٔ رقابت گسترده بین قدرتهای جهانی است. به‌عبارت دیگر، با توجه به منافع روبه‌رشد چین و روسیه در جهان اسلام و نیز منافع گستردهٔ امریکا و اتحادیه اروپا، این منطقه به‌زودی به صحنهٔ رقابت آن‌ها تبدیل خواهد شد. چنین وضعیتی سبب خواهد شد نظم منطقه‌ای در جهان اسلام در چند سال آینده چندقطبی باشد. بنابراین، در آینده شاهد افزایش فشارهای ساختاری بینالمللی بر محیط منطقهای جهان اسلام از سوی قدرتهای جهانی، یعنی چین، روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا، و در نهایت، افزایش مداخله و تنش در این منطقه از سوی آنان خواهیم بود.

جمع‌بندی

ویروس کرونا در ۱۲دسامبر۲۰۱۹ از ووهان چین سربرآورد و در مدت‌زمان اندکی به یکی از گسست‌های مهم تاریخی تبدیل شد. در وضعیت کنونی، کرونا و تبعات ناشی از آن بر تمام تاروپود بشر در قرن ۲۱ سایه افکنده است. کرونا نقطه‌عطفی در

سیستم جهانی است که سیستم را با گسست اساسی روبه‌رو کرده است؛ تا جایی که به‌سان رنسانس، انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی اول و دوم و نیز بحران‌های اقتصادی ۱۹۲۹ و ۲۰۰۸ می‌توان از دنیای پیشاکرونا و پساکرونا سخن گفت.

کرونا ویروس همهٔ پدیدارها را تحت‌سلطهٔ خود گرفته است. در این میان، سیاست و اقتصاد بیش از همه تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. در اوضاع کنونی، کرونا ویروس بسیاری از روندهای جهانی را در سیاست جهانی تحت‌تأثیر قرار داده است. بازی‌های ژئوپلیتیکی در مناطق مختلف تأثیر قرار گرفته‌اند. قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای، میکرودولت‌ها و...، همگی، در ابعاد مختلف تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. یکی از نمودهای مهم این تأثر، در سطح منطقه‌ای و در سطح نظم‌های منطقه‌ای است. نوسان در الگوی رفتاری بازیگران، خود را در سطح نظم و کلیت منطقه نمایان خواهد ساخت. اینکه تبعات ناشی از کرونا ویروس تا چد حد و با چه دامنه‌ای سبب تحول خواهد شد، جای بحث و بررسی دارد؛ اما آنچه عیان است، دست‌کم، تحول در افق‌های کوتاه‌مدت محتمل است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سال‌ها زمان لازم است که غبار تبعات ناشی از کرونا ویروس از رخسار سیاست جهانی زدوده شود.

جهان اسلام نیز همانند سایر مناطق جهان تحت‌تأثیر آثار و پیامدهای کرونا ویروس قرار گرفته است. در سطح داخل، مهم‌ترین نمود این تـأثیرات در حوزهٔ اقتصاد است. اقتصاد بسیاری از کشورهای اسلامی در چند سال گذشته، به‌تبع تحولاتی مانند بی‌ثباتی سیاسی و جنگ‌های مختلف، با آسیب‌های جدی روبه‌رو بوده است. کرونا ویروس در وضعیت کنونی، انباشت و تراکم آسیب‌های اقتصادی را در جهان اسلام به بار آورده است. کرونا ویروس چشم‌انداز اقتصادی بسیاری از کشورهای اسلامی را بیش از گذشته تیره کرده است. بسیاری از مشاغل از بین رفته‌اند و شرکت‌های بزرگ خدماتی و تولیدی با زیان‌های بزرگ روبه‌رو شده‌اند. نفت نیز که منبع عمدهٔ درآمدی بسیاری از کشورهای اسلامی است، با تنزل ارزش خود روبه‌رو شده است. چنین اوضاعی در کوتاه‌مدت با ایجاد فشار بر قشرهای آسیب‌پذیر در جوامع اسلامی، سبب تشدید خطر طغیان‌های اجتماعی خواهد شد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم بسیاری از کشورهای اسلامی با بحران مشروعیت روبه‌رو هستند.

در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان پیش‌بینی کرد کرونا ویروس برخی از روندهای منطقه‌ای را تحت‌تأثیر قرار داده و سبب برخی گسست‌ها شود؛ البته باید در تعیین دامنه و امتداد این تحولات جانب احتیاط را در پیش گرفت. عمق و دامنهٔ برخی بحران‌های منطقه‌ای در جهان اسلام به‌حدی است که نمی‌توان حتی تبعات سنگین ناشی از کرونا ویروس را در آن‌ها اثرگذار دانست؛ برای مثال، خوش‌بینی ایدئالیستی است که بپنداریم کرونا رشد گسل تعارضی تهران–ریاض را به تعویق خواهد انداخت. باید گفت کرونا نهایتاً سبب خواهد شد قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در جهان اسلام موقتاً و در کوتاه‌مدت، در راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای خود تغییری اندک دهند. می‌توان انتظار داشت عربستان برای کم‌کردن تبعات و فشارهای درونی ناشی از بحران اقتصادی، تا حدی، از قدرت مانور خود در یمن بکاهد. اما این حتمی است که تحت هیچ شرایطی این کشور اجازه نخواهد داد انصارالله و محور مقاومت در یمن به تثبیت جایگاه بپردازند. در سوریه، عراق و سایر مناطق که محل رقابت و تزاحم منافع

قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام هستند نیز قاعده به همین سان است.

الگوی رفتاری و راهبردهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای جهان اسلام نیز تحت‌تأثیر پیامدهای کرونا ویروس با تغییر و تحولاتی روبه‌رو خواهد شد. ایالات متحده امریکا، تا حدودی، بر داخل و بازسازی آسیب‌های ناشی از کرونا ویروس متمرکز خواهد شد. انتظار می‌رود چنین راهبردی الگوی رفتاری این کشور در مناطق مختلف از جمله جهان اسلام را با تغییر و تحول روبه‌رو کند. در دو تا چهار سال آینده باید نظاره‌گر کاهش تعهدات و نقش‌های منطقه‌ای امریکا در جهان اسلام باشیم. از سوی دیگر، رقبای جهانی این کشور مانند روسیه و چین که آسیب‌های کمتری را متحمل شده‌اند، تلاش خواهند کرد خلأ ناشی از کاهش نقش امریکا در جهان اسلام را به سود خود پر کنند.